

متن پرسش

سلام علیکم. استاد، پیرو مطالبی که در کتاب از برهان تا عرفان از شما خوانده ام، و نیز فایل های صوتی شرح این کتاب که شنیدم، سوالاتی به ذهنم خطور کرد که بدین ترتیب آن ها را مطرح می کنم.

۱- نوشته اید عین وجود عین کمال است، چرا که هر جا پای نقص در میان باشد پایه عدم در میان است و حال آن که عین وجود هیچ جنبه ی عدمی در آن راه ندارد. مثل عین شوری که تمام شوری را دارد. سوال من اینجا است که آیا این کامل مطلق و عین کمال بودن برای عین وجود، از یک قاعده بدیهی نشئت گرفته یا برای آن استدلالی اقامه شده. اگر بدیهی است که از نظر حقیر بدیهی نیست. چه اشکالی دارد اگر ما وجودی داشته باشیم که در مرتبه وجودی خود عین وجود باشد. یعنی در همان مرتبه قائم به خودش باشد. یعنی عین وجود باشد ولی کامل مطلق نباشد. در خصوص مثال شما در مورد عین شوری یا عین شیرینی هم باید بگویم که عین شیرینی لزوماً تمام مراتب شیرینی را ندارد. توضیح آنکه عین شیرینی (برعکس عین وجود که از کامل مطلق بودن آن یکتایی آن نتیجه گیری می شود، عین شیرینی یا عین گرما یا عین تری ...، یکتا نیست) مثل قند و شکر و حتی برخی میوه ها که همه، مراتب مختلفی از شیرینی دارند و در عین حال هم شیرینیشان به خودشان است. بنده ادله های فلسفه ی مشا را برای اثبات کامل مطلق بودن واجب الوجود، نگاه کردم و برخی از آنها مورد تایید حقیر است اما می خواهم بدانم که ملاصدرا در فلسفه خود برای این قسمت چه استدلالی اقامه کرده است. ۲- اگر شخصی در این برهان بگوید من این قاعده ی «کل ما بالعرض لابد ان ينتهی الی ما بالذات» را نمی پذیرم، چه کار باید بکنیم؟

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی اگر تصور کنید که هر جا پای نقص هست به نحوی پای عدم هست، تصدیق می کنید که پس هر جا پای عین وجود هست، پای عین کمال در میان است. در مثال عین شیرینی باید موضوع را از آن جهت که مثال دنبال می کند، دنبال کرد و لذا می فرمایند در مثال مناقشه نباید کرد. آری؛ هر نوع شیرینی که از ساکاروز است، حتماً به ساکاروز ختم می شود، ولی اگر شیرینی از لؤلوز بود، حتماً به لؤلوز ختم می شود که هر کدام در موضوع خود یکتا است. تصدیق قاعده «کُلُّ ما بالعرض لابد ان ينتهی الی ما بالذات» در خودش است، چون می گوید هر آنچه صفتش بالعرض است و از خودش نیست، باید آن صفت مربوط به چیزی باشد که آن صفت از خودش است، و لذا اگر کسی درست تصور کند، تصدیق کردن آن در خود همان تصور نهفته است، دو موضوع نیست که یکی

مقدمه‌ی دیگری باشد و نیاز به تفکر داشته باشد.